

The role of the Security Council in the legal mechanisms of the fight against international terrorism after 9/11

Abstract:

One of the oldest human aspirations has been and is to establish international peace and security. The concept of these two issues has changed a lot over time, as it became extremely important in the world after 9/11. Following this unfortunate incident, the international community took measures such as the ratification of 12 global conventions and 7 regional conventions and the Security Council with the issuance of a resolution in 1994, to deal with such incidents. Therefore, based on the findings of this study, it can be acknowledged that the process of combating international terrorism in international law is very slow, which indicates the lack of sound or anti-human dignity laws in human rights.

Keywords: Security Council, 9/11, Terrorism, International Law, Human Rights.

نقش شورای امنیت در سازوکارهای حقوقی مبارزه با تروریسم بین‌المللی پس از حادثه یازده سپتامبر

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۴

سیده منصوره عمادی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱/۱۹

مهدی حسنی باقری^۲مجید بهناز اژدری^۳

چکیده:

در طول تاریخ یکی از اهداف مهم جامعه بشری در سطح بین‌المللی، حرکت به سمت نهادینه نمودن صلح پایدار، امنیت بین‌المللی و ایجاد سازوکارهای مرتبط با آن بوده است. این امر با وقوع حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر از اهمیت دو چندانی برخوردار گردیده است به نحوی که منجر به شکل‌گیری و تصویب کنوانسیونهای متعددی در سطوح جهانی و منطقه‌ای گردیده است. هدف این پژوهش بررسی سازوکارهای حقوقی مبارزه با تروریست بین‌المللی پس از حادثه ۱۱ سپتامبر توسط شورای امنیت میباشد. یافته‌های این پژوهش نشان داده است که نقض حقوق بشر به واسطه قوانین خلاف ارزش‌های انسانی و عدم وجود قوانین کاربردی، مبارزه با پدیده تروریسم بین‌المللی را با چالشهای زیادی روبرو کرده، به نحوی که آن را از سرعت مورد انتظار دور نموده است.

کلمات کلیدی: تروریسم بین‌المللی، شورای امنیت، حقوق بین‌الملل، حقوق بشر.

^۱ دانشجوی دکتری علوم سیاسی گرایش مسائل ایران

^۲ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد بافت

^۳ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد بافت

۱- مقدمه

تروریسم در دنیای امروز، به روش‌ها و شکل‌های متفاوتی انجام می‌گیرد که در پی آن سبب ایجاد ترس و هراس فراوانی می‌شود (رسول آهنگران و مدنی‌زاده، ۲۰۲۰). مبارزه با تروریسم در حال حاضر هم برای حفظ نظم عمومی و هم حقوق بشر و حقوق شهروندی ضروری است، چرا که تروریسم باعث نقض حقوق بشر چون حق حیات، آزادی و امنیت شخصی می‌شود (کوفالو و کوفالوا، ۲۰۲۰). هر پدیده جنایی با ناامن کردن جامعه نه تنها ترس را بر مردم مستولی می‌کند بلکه امنیت فردی و اجتماعی و به خصوص نظم اجتماعی را به مخاطره می‌اندازد (کینوال و میتزه، ۲۰۲۰). اگرچه ادیان الهی از چنین اعتقاداتی فاصله دارند، اما واقعیت این است که اقدامات تروریست‌ها بر اظهارات دینی که تروریست‌ها از آنها استفاده می‌کنند، تأثیر نسبی داشته و نگرانی‌هایی را برانگیخته است. تهدید تروریستی علیه جوامع مختلف باعث شده است که دولت‌ها نه تنها راههای پیشگیری و مبارزه با این پدیده جهانی را مورد بررسی قرار دهند، بلکه مکانیسم‌های قانونی مناسبی برای مقابله با تروریسم در سطح ملی و بین‌المللی ایجاد کنند (رسول آهنگران و مدنی‌زاده، ۲۰۲۰). تروریسم مدت‌هاست که در دستور کار بین‌المللی قرار دارد. تعداد قطعنامه‌هایی که به طور مکرر تروریسم را محکوم می‌کنند، پس از ۱۱ سپتامبر و ظهور داعش افزایش یافته است، و همچنین تروریسم را به عنوان تهدید جهانی و بی‌سابقه‌ای برای صلح و امنیت بین‌المللی معرفی می‌کند. با این حال، در حالی که جهان بینی خاصی در درک تروریسم به عنوان یک تهدید وجود دارد و توصیف‌های فزاینده‌ای از ماهیت آن، به طور فزاینده‌ای وجود دارد، اجماع در رابطه با تعریف و دامنه آن به طرز چشمگیری ناچیز باقی مانده است (دی فیلیپو، ۲۰۲۰).

شورای امنیت با صدور قطعنامه‌هایی، تلاش کرده است تا روش‌های ضد تروریستی خود را در قالب دستورالعمل پیشگیری، در اولویت سیاست‌های خود قرار دهد. با این حال همچنان نحوه برخورد با تروریسم بین‌المللی با ابهامات و چالش‌های فراوانی برخورد می‌باشد. بنابراین و با توجه به شرایط موجود دادگاه‌ها و نهادهای حقوق بشری و به انحاء متفاوتی به نقض حقوق بشر و استفاده از قوانین و سیاست‌های ضد تروریسم برای سرکوب و مجازات، دفاع از حقوق بشر و ایجاد صلح به بحث و مذاکره پرداخته‌اند. در این بین امر بسیار حیاتی به نظر می‌رسد که شورای امنیت، در مبارزه پدیده تروریسم بین‌المللی از اراده قوی و لازم برخوردار بوده آن را خطری بزرگ برای صلح پایدار قلمداد نماید به نحوی که برای اقدامات بی‌سابقه‌ای از جمله (الف) طراحی تحریم‌های شبه دائم تحت فصل ۷ و (ب) از کشورها می‌خواهد تا اقدامات پیشگیرانه‌ای در برابر تحرکات ناشایست جنایی، اداری یا سایر اقدامات علیه دامنه فزاینده‌ای از پدیده‌های تعریف نشده انجام دهند.

مفهوم تروریسم

ترور در ادبیات کشور فرانسه به وحشت تعبیر گردیده است. این امر در دنیای سیاست غیر قانونی بوده و شامل عملیاتی می‌باشد که به همراه خود خشونت را پی دارد. که برای ترساندن و سرکوب

¹ Kovanic & Coufalova

² Kinnvall & Mitzen

³ Di Filippo

رقبای خود نسبت داده می‌شود. در سال ۱۹۷۴ مبارزان فرانسوی تروریسم را (مأمور ترور) به معنای مثبت آن و خارج از معنی منفی به کار می‌بردند که انگیزه آن خارج کردن نیروهای ضد انقلاب و ایجاد هراس در دل مخالفین بود (برچتولد و میکُل^۲، ۱۹۹۴: ۶۹-۷۰). عملیات تروریستی اقدامی خشونت‌آمیز و تنبیهی بوده تا یک مفهوم خاص سیاسی را به گروه یا کشور مورد نظر برساند. به بیان دقیقتر ترور به اقداماتی رعب‌آور گفته می‌شود که گروه خاصی برای رسیدن به اهداف سیاسی انجام می‌دهد که موجب وحشت و هراس در جامعه می‌گردد (اشوری، ۱۹۹۴: ۹۹).

تروریسم در واقع نوعی رویکرد است که پایه آن بر تحمیل عقاید به دیگران صرفاً با زور آزمایی، ترور، جنگ، اعمال خشونت‌آمیز، رعب و وحشت، آشوب‌آفرینی، عملیات‌های چریکی، کشتار جمعی، نسل‌کشی، شکنجه و کودتا است (موسوی فرد، ۱۴۰۰). در این بین پدیده تروریسم چنانچه از ویژگی‌های خاصی برخوردار باشد می‌توان آن را به رسمیت شناخت، این ویژگی‌ها را می‌توان در مواردی چون: ۱. عمل عمدی؛ ۲. منطقی؛ ۳. خشونت‌آمیز؛ ۴. دارای هدف سیاسی؛ ۵. وحشت‌آفرین (بهاری و بخشی شیخ احمد، ۱۳۸۸: ۴).

می‌توان گفت عملیات تروریستی از این جهت که اهداف سیاسی را در قلمرو یک حاکمیت پی‌گیری می‌کند، با محاربه متفاوت می‌باشد. همچنین با جرایم سازمان‌یافته که اهداف مادی را دنبال می‌کنند، نیز قابل تمیز می‌باشد (سلیمی، ۱۳۸۲: ۱۷۰). به بیان دیگر می‌توان گفت نظم موجود در یک جامعه، چنانچه از طریق خشونت بی‌حد و حصر از میان برود می‌توان گفت عملیات تروریستی به وقوع پیوسته است. این عمل می‌تواند داخلی (بدون عنصر خارجی و صرفاً در ارتباط با یک دولت-ملت) و بین‌المللی (وجود یک عنصر خارجی چه به نحو مستقیم و چه غیر مستقیم) باشد.

مبارزه با تروریسم در سطح بین‌المللی

امروزه با آنکه پدیده تروریست به عنوان یکی از مخاطرات جدی و مهم در دنیای بین‌الملل با سرعت زیادی روبه افزایش است، متأسفانه کشورهایی همچون ایالات متحده آمریکا که دارای قوانین ضد تروریستی مدون و قوی و لیستی از فهرستی از اقدامات نظامی و سرّی با عنوان مبارزه و سرکوب تروریسم^۳ هستند، با تأکید بر لزوم نظم عمومی داخلی، بنا به دلایلی؛ با کنوانسیون منع و مجازات تروریسم به مخالفت می‌پردازند: نبودن تعریفی شفاف و صریح از جرم تروریستی؛ (ب) سیاسی شدن در صورت آوردن این جرم تحت صلاحیت آن؛ (ج) قدرت و پتانسیل رفتارهای تروریستی تا آن حد نمی‌باشد تا مورد تعقیب از سوی دیوانی بین‌المللی قرار بگیرد؛ (د) تعقیب قضایی و مجازات از سوی نظام حقوقی هر کشور مفیدتر و کاربردی‌تر از رسیدگی آن در دیوان بین‌المللی می‌باشد (کاسیس^۴، ۲۰۰۱: ۹۹۳).

در این بین سیاست ایالات متحده آمریکا و سایر کشورهای هم‌پیمان، سبب دشواری در تعریف مناسب از تروریسم در حوزه حقوق بین‌الملل، گردیده است. به نحوی که حتی کوفی عنان (دبیر کل موفق سابق سازمان ملل متحد) (کوفی^۵، ۲۰۰۱) و ماری رابینسون (کمیسر عالی ملل متحد در امور حقوق بشر)

¹ agent de terrellr

² Berchtold & Michel

³ Combating & Suppression of Terrorism

⁴ Cassese

⁵ Kofi

حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر را به عنوان جرایم علیه بشریت تعریف کرده‌اند؛ با توجه به اینکه در مبارزه با این جرایم، احترام به حقوق بشر جزء شروط اصلی بوده و به صورت یک اصل مدنظر گرفته شده است و نقض به شدت مورد نکوهش و نقد قرار گرفته است (کوستی^۱، ۲۰۰۶: ۴۶۳).

با وجود اینکه برای مقابله با پدیده تروریستی در سوح بین‌المللی مقدمات و ملزوماتی تعریف گردیده است، ولی پدیده تروریسم امروزه بیشتر بر مبنای قوانین داخلی استوار است تا بین‌المللی. اما با وقوع حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر، می‌توان نشانه‌های فراوانی را در مقابل با شان و ارزش‌های انسانی در آن مشاهده نمود.

در این بین می‌توان ادعا نمود که کنوانسیون‌های منطقه‌ای؛ بر خلاف کنوانسیون‌های بین‌المللی، در شناساندن تعریف مشخص‌تر از تروریسم موفق‌تر بوده‌اند. در این مورد می‌توان به کنوانسیون‌های منطقه‌ای که در یل آورده شده‌اند اشاره نمود

در ارتباط با منع و مبارزه با تروریسم قطعنامه‌های متعددی توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد (قطعنامه ۵۶/۱ مورخ ۱۸ سپتامبر ۲۰۰۱) و شورای امنیت سازمان ملل متحد (۱۳۶۸، ۱۳۷۳، ۱۳۷۷ و ۱۳۹۰) تصویب شد که این قطعنامه‌ها با محکوم کردن پدیده تروریسم، از کشورهایی که عضو این کنوانسیونها هستند درخواست کردند تا به همکاری مشترک و معطوف عمل در مبارزه با تروریسم اقدامات عملی نموده و گزارش اقدامات خود را بر اساس بند «۶» قطعنامه ۱۳۷۳ به کمیته تعیین شده شورای امنیت ارائه نمایند.

۴- سازمان ملل متحد و مبارزه با تروریسم

الف- استراتژی پیشنهادی دبیر کل سازمان ملل متحد برای مبارزه با تروریسم

در باب پیشنهاد دبیر کل سازمان ملل متحد برای مبارزه با تروریسم می‌توان به دو سند اشاره کرد

۱- گزارش به سوی جهانی امن‌تر؛

۲- سخنرانی کوفی عنان در ۱۰ مارس ۲۰۰۵ در مادرید اسپانیا. دبیر کل سازمان ملل در این سخنرانی مهمترین علتی را که میتواند نسبت به ارزش‌های محوری سازمان ملل متحد مانند حقوق بشر، حاکمیت قانون، حفاظت از غیرنظامیان، احترام متقابل ادیان و فرهنگ‌ها، و حل و فصل مسالمت‌آمیز منازعات؛ خطرناک باشد، تروریسم نامید.

کوفی عنان در گزارش شماره یک، مسئولیت تدوین و پیشبرد استراتژی سازمان در مواجهه با تروریسم را عهده گرفت.

۱- کوشش برای پیشگیری از اعمالی که سبب به وجود آمدن شرایط برای اقدامات تروریستی و یا راحتی آن می‌شود.

۲- اعمالی که جزء روش‌های آموزشی می‌باشند از جمله سازماندهی اقداماتی جهت مقابله با افراطی‌گری و عدم تساهل می‌باشد.

۳- ساخت وسایل و ابزارآلاتی که جهت مبارزه جهانی با تروریسم در قلمرو قانون مناسب بوده و آزادی‌های مدنی و حقوق بشر را ارج می‌نهد

¹Costi

۴- به وجود آوردن شرایطی که موجب بالا رفتن توان مقابله دولتها در مبارزه با فعالیتهای تروریستی گردد.

۵- کنترل و وسایلی که حقوق دفاعی افراد دز جامعه را به چالش می کشاند گزارش مربوطه از کشورهای عضو درخواست می کند ۱۲ کنوانسیون اصلی علیه تروریسم را امضا نموده و به ۸ توصیه ویژه سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه ملل متحد عمل کنند^۱. ۱۲ کنوانسیون عبارتند از:

۱- معاهده جرائم و اقدامات مشخص دیگر در داخل هواپیما (۱۹۶۳)

۲- کنوانسیون ممانعت از تصرف غیر قانونی هواپیما (۱۹۷۰)

۳- کنوانسیون ممانعت از اعمال غیر قانونی علیه امنیت هواپیمای غیر نظامی (۱۹۷۱)

۴- کنوانسیون ممانعت و مجازات جرائم علیه افراد مصون بین‌المللی، از جمله نماینده های سیاسی (۱۹۷۳)

۵- معاهده بین‌المللی علیه گروگان گیری (۱۹۷۹)

۶- معاهده محافظت فیزیکی از مواد هسته ای (۱۹۸۰)

۷- پروتکل جلوگیری از اعمال خشونت‌آمیز غیرقانونی در فرودگاههای مخصوص هواپیماهای غیر نظامی، متمم معاهده برای جلوگیری از اعمال غیرقانونی علیه امنیت هواپیمایی غیر نظامی (۱۹۸۸)

۸- کنوانسیون ممانعت اعمال غیرقانونی علیه امنیت ناوبری دریایی (۱۹۸۸)

۹- پروتکل جلوگیری از اعمال غیر قانونی علیه امنیت سکوهای ثابت مستقر در فلات قاره‌ای (۱۹۸۸)

۱۰- معاهده علامت‌گذاری مواد منفجره پلاستیکی برای مقاصد ردیابی (۱۹۹۱)

۱۱- معاهده بین‌المللی جلوگیری از بمب گذاری‌های تروریستی (۱۹۹۷)

۱۲- کنوانسیون بین‌المللی ممانعت از تامین سرمایه برای تروریسم (۱۹۹۹)

ب- کمیته ضد تروریسم سازمان ملل متحد

در تاریخ در ۲۱ دسامبر ۲۰۰۵، در یک بیانیه‌ای، شورای امنیت در ۲۱ دسامبر سال ۲۰۰۵ در یک بیانیه ای از کمیته ضد تروریسم درخواست کرده تا با کشورهایی که جهت مقابله با پدیده تروریسم فعالیت می کنند همکاری بیشتری داشته باشد.

این همکاری می تواند در حیطه کمک‌های فنی و یافتن راه‌هایی برای افزایش همکاری با سازمان‌های بین‌المللی، منطقه‌ای و زیرمنطقه‌ای باشد. قطعنامه ۱۳۷۳ (۲۰۰۱) کمیته ضد تروریسم از مهمترین اسناد بین‌المللی در خصوص مبارزه با تروریسم محسوب می گردد و ایجادکننده شرایطی است که تعدادی از مفاهیم سنتی سیاست بین‌الملل مانند حاکمیت و استقلال کشورها در تعارض است.

در این قطعنامه نکات مهمی چون، مبارزه با اقدامات تروریستی عدم حمایت‌های مادی از سوی دولتهای عضو، جرم شناسی عملیات تروریستی در خاک کشور و مسدود نمودن منابع مالی افرادی

^۱ از کشورهای عضو خواسته می‌شود از ۱۳ ابزار بین‌المللی مربوط به جلوگیری و سرکوب تروریسم بین‌المللی استفاده کنند. از همه دولت های عضو خواسته می‌شود هر چه سریع تر کنوانسیون جهانی در مورد تروریسم بین‌المللی را تدوین کنند. این کنوانسیون باید به روشنی نشانگر اتحاد جامعه بین الملل و اقتدار معنوی سازمان ملل باشد. تمامی کشورهای عضو باید قطعنامه های مصوب شورای امنیت بر ضد تروریسم بخصوص قطعنامه ۱۲۶۷ (۱۹۹۹)، قطعنامه ۱۳۷۳ (۲۰۰۱) و ۱۵۴۰ (۲۰۰۴) را به کار گیرند.»

که در اقدامات تروریستی دست داشته یا کسانی که موجب آسانی اقدامات تروریستی می‌شوند، وجود دارد. در این قطعنامه از دولتهای عضو خواسته شده است که در حیطه‌های تحقیقاتی (جنایی و قضایی) در خصوص جرایم مرتبط با تأمین مالی اعمال تروریستی حضور یابند.

همچنین در این قطعنامه یادآوری گردیده است که دولتها قبل از اینکه پناهجویان را به پناهندگی قبول کنند، تحقیقات لازم را به عمل آورند تا اطمینان حاصل نمایند تا این افراد قبلاً در عملیتهای تروریستی دخالت نداشته‌اند.

با توجه به ارتباط نزدیک تروریسم بین‌الملل با جنایات سازمان‌یافته فراملی از جمله قاچاق مواد مخدر، تطهیر پول، قاچاق غیرقانونی سلاح و نقل و انتقال غیرقانونی مواد اتمی، شیمیایی و بیولوژیک و سایر مواد بالقوه خطرناک.

ضروری است تا با تأسیس کمیته‌ای که بتواند نظارت بر حسن اجرای قطعنامه توسط شورا و اعلام این مسئله که هر نوع فعالیتی که ضرورت دارد برای تضمین اجرای کامل این قطعنامه مطابق منشور ملل متحد را انجام دهد.

ج- مبانی سیاسی و حقوقی تشکیل کمیته ضدتروریسم شورای امنیت

بر اساس ماده ۲۸ کمیته ضدتروریسم شورای امنیت، این شورا می‌تواند با ایجاد کمیسیون و تعیین گزارشگر در مورد موضوعات مرتبط با تروریسم تصمیم‌گیری نماید. در ماده ۲۹ منشور ملل متحد چنین مقرر گردید که شورای امنیت در مواقعی که تشخیص دهد می‌تواند با تشکیل ارکان فرعی، وظایف مرتبط با پدیده تروریسم را انجام دهد. سازمانهای بین‌المللی مجبور به رعایت تعهدات ناشی از قواعد عام حقوق بین‌الملل، اساسنامه خود و معاهده‌ای خواهند بود^۱ که ممکن است در آن عضو بوده، با این وجود، شورای امنیت صلاحیت لازم را برای به اجرا درآوردن مفاد منشور و آیین‌نامه داخلی خود را خواهد داشت. با توجه به مواردی که گفته شد، کمیته ضدتروریسم خروجی یک معاهده عام بین‌المللی و قطعنامه ۱۳۷۳ است.

در قلمرو سیاسی، تأسیس کمیته ضدتروریسم که از ۱۵ عضو شورای امنیت تشکیل شده است، از این جهت بوده است که عملکرد کشورهایی که عضویت دارند را در ایجاد ظرفیت جهانی در را. مقابله با تروریسم دارا باشند. در این بین عدم همراهی ایالات متحده آمریکا از کمیته ضدتروریسم، سبب به وجود آمدن معضلات فراوانی گردیده است.^۲

د- اداره اجرایی کمیته ضدتروریسم

شورای امنیت در پانزده دسامبر سال ۲۰۰۵ در بیانیه‌ای از پانزده عضو شورای امنیت، خواسته است که فعالیت‌های ضدتروریستی در سطح جهان توسط اداره اجرایی جدید کمیته ضدتروریسم^۳، مورد کنکاش قرار دهند^۴. مفاد این بیانیه به شرح یل بوده است:

۱- تروریسم از جمله اعمالی است که صلح و امنیت را در سح بین‌المللی مورد تهدید قرار داده و از جنبه‌های کیفری برخوردار است.

¹ Avis consultatic du 23 1956, CIJ.

² Kofi Annan, The counter - Terrorism committee, United Nations, Department of Public Information, 2002.

³ Counter-Terrorism Committee Executive Directorate

⁴ S/2005/800

۲- اداره اجرایی کمیته ضدتروریسم، موظف است تا به شکل رسمی با عنوان سیاست‌های کمیته، توانایی‌های این کمیته را برای نظارت بر اجرای قطعنامه ۱۳۷۳ (۲۰۰۱) افزایش دهد و اقداماتی را جهت مساعدت به اقدامات ضد تروریستی انجام دهد.

۳- کمیته ضدتروریسم موظف است تا دستورکار اداره اجرایی در جهت ارتقا کارآمدی و توانایی کمیته را آماده نماید. اجرایی نمودن قطعنامه ۱۳۷۳ یکی از مهمترین اهداف شکل‌گیری کمیته ضدتروریسم بوده است.

در کمیته ضدتروریسم دولت‌های عضو می‌باید به عدم حمایت و مبارزه با تروریسم، عدم حمایت مالی، و عدم حمایت از افرادی که دست به اقدامات تروریستی می‌زدند، کوشش نمایند. کمیته ضدتروریسم می‌بایست گزارش‌هایی در قالب مفاد مطرح شده در قطعنامه ۱۵۳۵ (۲۰۰۴) ارائه کند. علاوه بر آن، کمیته باید مفادی را که در قطعنامه ۱۶۳۴ درج شده اند را نیز تعقیب نماید. این قطعنامه در ۱۴ سپتامبر ۲۰۰۵ تصویب شد و بر تقویت گام‌های مبارزه با تروریسم، اتخاذ سیاستها و تدابیر فوری توسط دولت‌ها برای شکل‌گیری قوانینی که توانایی این را دارد تا اقدامات تروریستی را ممنوع نماید، و یا ممانعت برای ایجاد فضای امنی که اشخاصی که متهم به اقدامات تروریستی تاکید می‌کند.

۴- کمیته موظف است، همکاری به دولت‌های عضو و به ویژه اطلاع‌رسانی به آنان در خصوص حوزه‌های مرتبط را مدنظر قرار دهد.

۵- چشم‌انداز کمیته ضدتروریسم

این کمیته باید ساختار، وظایف و برنامه‌های خویش را به نحوی تنظیم و پیگیری کند، که فلسفه وجودی و فعالیتهای آن محدود به موردی خاص یا دوره زمانی مشخص نگردد.

در قطعنامه ۱۳۷۳ تصمیم خاصی بر ضد فرد، گروه یا کشوری مشخص اتخاذ نشده است، با این حال در مواردی که شورای امنیت تشخیص دهد، کشور یا گروهی بر خلاف مفاد قطعنامه مزبور اقدام نماید می‌تواند از اختیارات خود وفق ماده ۴۱ یا ۴۲ منشور برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی استفاده نماید تأکید مجدد بر «حق ذاتی دفاع مشروع فردی و جمعی» به عنوان امری حیاتی در این قطعنامه دیده می‌شود که ابتکاری تازه و قابل تأمل و در راستای تأیید توسل به زور بر ضد عاملان اقدامات تروریستی یا حامیان آنها به عنوان نوعی «دفاع مشروع» می‌باشد. این ابتکار موجب شده تا زمینه برای کشورهایی که توانسته‌اند فعالیت پیشگیرانه را به عنوان یک راهبرد در دستور کار خود قرار دهند و مبنای این استراتژی را نیز بر اساس تفسیر موسع از ماده ۵۱ منشور و اصل دفاع مشروع قرار می‌دهند، فراهم می‌گردد.

با تصویب شدن قانونی که در ۱۵ سپتامبر ۲۰۰۱ مجلس نمایندگان و سنای آمریکا با تصویب قانونی، اجازه استفاده از زور و نیروهای مسلح آمریکا بر علیه مسببین حادثه ۱۱ سپتامبر را به رئیس‌جمهور داده، و در توجیه این امر، استناد به اصل دفاع مشروع^۱ شده است. دو مجلس آمریکا حادثه ۱۱ سپتامبر را تهدیدی دائمی دانسته اند که علیه امنیت ملی و سیاست خارجی آمریکا صورت گرفته است. با این وجود رئیس‌جمهور را بر طبق قانون اساسی موظف به حفاظت از ایالات متحده آمریکا

¹ Self-defense

در برابر تروریسم نموده‌اند. در این حالت قانون به رئیس‌جمهور اجازه را داد تا از هر نیرویی بهره گیرد تا در مقابل طراحان و و مجریان واقعه، اعم از گروه، سازمان، مقابله نماید. و علاوه بر آن با گروه، سازمان، و یا دولتی را که ممکن است در آینده اقدام تروریستی علیه آمریکا انجام دهد، مقابله نماید. این شرایط سبب گردید محدودیت‌های زمانی و مکانی قانون و اختیارات رئیس‌جمهور از بین رود و به رئیس‌جمهور اجازه می‌دهد در هر زمانی که لازم ببیند، از زور علیه تروریسم استفاده کند.

همان گونه که مطرح گردید دفاع مشروع و تروریسم با قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل در ارتباط با تروریسم تمام و کمال همخوانی دارد. قطعنامه ۱۳۹۰ به عنوان تکمیل‌کننده قطعنامه ۱۳۷۳، همچنین علاوه بر اقدامات عملی جهت شکل‌گیری کمیته ضدتروریسم تأکید می‌کند، مفهوم جدیدی از مداخلات را بیان می‌کند. که عملاً می‌تواند زمینه به وجود آوردن نقض حاکمیت کشورها توسط اعضای شورای امنیت را آماده کند. این قطعنامه کشورها موظف می‌کند که تصمیمات اخذ شده در شورای امنیت بر اساس گزارشات کمیته را به صورت قانون داخلی درآورده، به طور دائمی اقدامات خود در مبارزه با تروریسم را به کمیته اطلاع دهد. با این قطعنامه، کمیته، تلاش می‌کند تا با نظارت بر کشورها، آنان را از همکاری با پناه دادن به تروریست‌ها منع نماید. قطعنامه ۱۳۹۰ هشدار صریحی به کشورهایی می‌دهد که افراد القاعده یا افراد و نهادهای مرتبط با آنان، و یا تروریست‌ها را در خاک خود جای داده‌اند و یا آنان مورد حمایت مالی خود قرار می‌دهند که ارائه سلاح و تجهیزات نظامی و کمک‌های مالی و فنی نیز در بر می‌گیرد.

به طور کلی ایالات متحده آمریکا در این قطعنامه در صدد می‌باشد تا فشار بیشتری بر کشورهایی وارد آورد، و رفتار آنها را در راستای با نظم جدید تغییر دهد. این قطعنامه را می‌توان در زمره رژیم‌های بین‌المللی قرار داد که سیاست‌های خود را بر بازیگران حاشیه‌ای نظام بین‌الملل حاکم کرده و آنها را مجبور می‌کند تا نظم مورد نظر رژیم پیروی کنند.

۵- امنیت انسانی

از امنیت انسانی تعاریف مختلفی مطرح گردیده است. در تعریف مضیق بیشتر بر تهدیدات سنتی امنیت همچون مین‌های زمینی، سلاح‌های کوچک، خشونت و منازعات و نظایر آن‌ها گفته شده است. اما در تعاریف موسع، موارد بسیار زیادی را می‌توان از تهدیدات سنتی و حتی تهدیدات توسعه محور همانند فقر و محیط‌زیست پیدا نمود. امنیت انسانی، محافظت از هسته حیاتی^۱ همه افراد بشر در مقابل تهدیدات شایع^۲ را از اهداف خود عنوان کرده است.

۱- محافظت: کلیه اعمالی که به نگهداری و حمایت از کسی و یا چیزی اشاره دارد، محافظت گفته می‌شود. به بیان دیگر انسانها با مخاطرات و تهدیدات فراوانی مواجه هستند که حفاظت در مقابل آنها نیاز می‌باشد. مخاطرات امورات طبیعی یا خارج از کنترل و یا معضلات قابل کنترل اما خارج از اراده فردی را شامل می‌شود. در این راستا امنیت انسانی مشمول فعالیت‌هایی میشود که جنبه پیشگیرانه و سازمان‌یافته دارند. امنیت انسانی از عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و

1. Vital core

2. Pervasive

زیست‌محیطی ناشی می‌شود. امنیت انسانی به محدودیت حوزه امنیت انسانی اشاره دارد و به آن توجه می‌نماید که نمی‌تواند تمامی شئون حیات انسانها را شامل گردد. در مبحث امنیت انسانی دو دسته نیاز کمی مانند ارضای حوایج مادی و بعد کیفی که شامل شخصیت انسانی است مطرح می‌باشد (قاسمی، ۱۳۸۴). بنا بر آنچه گفته شد برای اینکه بتوان امنیت انسانی را عملیاتی کرد لازم است از ویژگی‌های خشن و سخت قدرت دوری گزید که در این صورت ممکن است به مردم سالاری نزدیکتر گردیم.

۳- همه افراد بشر: تمرکز در مبحث امنیت انسانی بر مردم و جامعه هیت نه دولتها و حکومت. از منظر توسعه انسانی، هدف غایی انسانها می‌باشند و بضر نباید به ابزاری برای سوء استفاده اقتصادی تبدیل گردد. البته باید خاطر نشان ساخت که منافع دولتها در مسیر پیاده سازی امنیت انسانی همواره مدنظر قرار می‌گیرد. ولی در آن تأکیدات و نگرش‌ها جابه‌جا شده‌اند.

۴- تهدیدات شایع و مهم: منظور از اهمیت تهدیدات، ربط آنها به هسته اصلی بقا و فعالیت‌های انسان‌هاست و شایع بودن بدین معنی است که اولاً خطر و تهدید در مقیاس بزرگ را نمایان می‌سازد و ثانیاً این که تهدید می‌تواند در دفعات مختلف تکرار شود.

۵- شکوفایی و کمال انسانی در بلندمدت: امنیت انسانی بدان معنی نیست که فقط بر وضعیت موجود توجه کند، بلکه به سازگاری، حمایت و حراست از حقوق یا خیر بلندمدت انسان‌ها نیز توجه ویژه‌ای مبذول می‌دارد (قاسمی، ۱۳۸۴).

۶- تهدیدات مستقیم و غیرمستقیم علیه امنیت انسانی

الف) تهدیدات مستقیم

تهدیدات مستقیم شامل موارد زیر می‌باشد

۱- قتل خشونت‌بار/معلول کردن

جرائم خشونت‌آمیز، قتل زنان و کودکان، تجاوز جنسی، تروریسم، آشوب‌های میان گروه‌ها / قتل عام / نسل‌کشی، کشتن و شکنجه ناراضیان، قتل عوامل و مقامات حکومتی، معلولین جنگ.

۲- رفتار غیرانسانی

برده‌داری و قاچاق زنان و کودکان، استفاده از کودکان به‌جای سرباز، بدرفتاری جسمی با زنان و کودکان (در خانواده)، کودک ربایی، بازداشت غیرقانونی مخالفان سیاسی و محاکم غیرمنصفانه آنها.

۳- مواد مخدر

اعتیاد به مواد مزبور از جمله تهدیدات مستقیم علیه امنیت انسانی هستند.

۴- تبعیض و سلطه‌گری

قوانین و رویه‌های تبعیض‌آمیز علیه اقلیت‌ها و زنان، نفی و منع انتخابات و تقلب در آن، و واژگون کردن نهادهای سیاسی و بستن رسانه‌ها.

۵- منازعات بین‌المللی

تنش‌ها و بحران‌های بین‌المللی، اعم از دوجانبه و یا چندجانبه و همچنین اختلافات و درگیری‌ها و بحران‌های ابرقدرت‌ها.

۶- سلاح‌های کشنده و مخرب

گسترش سلاح‌های جمعی، سلاح‌های پیشرفته متعارف، سلاح‌های کوچک و مین‌ها.

ب) تهدیدات غیرمستقیم

تهدیدات غیرمستقیم نیز موارد ذیل را دربرمی‌گیرند (قاسمی، ۱۳۸۴):

۱- محرومیت

تأمین نشدن سطوح حواجی و حقوق اولیه (غذا، آب آشامیدنی سالم، مراقبت‌های بهداشتی اولیه، آموزش و پرورش مقدماتی).

۲- بیماری

شیوع امراض کشنده (عفونی، قلبی - عروقی، سرطان).

۳- فجایع طبیعی و بلایای ناشی از اقدامات بشری

۴- عقب‌ماندگی

میزان پایین تولید سرانه و تولید ناخالص داخلی، رشد اندک تولید ناخالص داخلی، تورم، بیکاری، نابرابری، رشد و یا افول جمعیت، فقر در سطح ملی، بی‌ثباتی اقتصادی در سطح منطقه و جهان و همین‌طور تحولات دموگرافیک.

۵- انتقال و جابه‌جایی جمعیت (در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی)

آوارگان و مهاجرت.

۶- تخریب محیط‌زیست (در سطح محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی).

راهکارهای عملیاتی نمودن امنیت انسانی

راهبردهایی که در زمینه برقراری امنیت انسانی وجود دارد عموماً به دو دسته تقسیم می‌شوند راهبردهای حمایتی^۱ و حراستی که در پی این می‌باشند تا با تهدیدات و خطرات با عنوان یک هدف اصلی مبارزه کنند. امنیت انسانی آشکارا حمایتی و محافظتی را نشان می‌دهد؛ چرا که پایه آن بر این پیش‌فرض بنا گردیده است که افراد و جوامع در مقابل تهدیداتی چون تروریسم و عدم سرمایه‌گذاری در امور بهداشتی و یا آلودگی محیط‌زیست و انفجارهای اتمی قرار دارند که خارج از کنترل انسانها می‌باشد. چنانچه تصمیم بگیریم راجع به امنیت انسانی گفتگو شود، ابتدا باید حقوق و آزادی‌های انسانها مورد تصدیق و تایید قرار گیرند و سپس تلاش گردد تا هماهنگی‌های لازم برای برقراری هنجارها و قواعد، رویه‌ها و فرایندها و همچنین نهادهای ملی و بین‌المللی صورت گیرد تا این نهادها و قواعد به‌صورت سیستماتیک، جامع و پیشگیرانه به ناامنی‌ها و رفع و دفع آنها اهتمام ورزند. برقراری زیرساختهای حمایتی؛ حتی اگر به‌ور کاملی کامل مهیا نباشد، می‌تواند شرایطی را به وجود آورد که به دفع تهدیدات و کاستن از مخاطرات و حمایت و حفاظت از افراد در معرض تهدید کمک کند. راهبرد نوع دوم عبارت است از توانمندسازی^۲ یا توانایی انسان‌ها برای کمک به خود یا دیگران که یکی از اصلی‌ترین کلیدهای امنیت انسانی را شامل می‌شود. مهیا ساختن این قابلیت، فارغ از امنیت انسانی از امنیت دولت‌مدار است. انسانها در شرایطی که به قدرت دست پیدا کنند، می‌توانند زمانی که حقوق و آزادی‌هایشان نقض و یا کرامت و حرمتشان پایمال می‌شود، عکس‌العمل

1. supportive

2. Empowerment

نشان دهند و حقوق و حرمت خود را مطالبه کنند. چنین انسان‌هایی می‌توانند با استفاده از امکانات بومی خود و بدون مداخله دولت و قوای دیگر، معضلات خویش را بر طرف کنند. برای انسان‌های دیگر فرصت‌های خوبی را ایجاد کنند و در مواردی همانند حوادث طبیعی و یا نقض حقوق انسان‌ها، با تمام آنچه که از امکانات در اختیار دارند، به کمک و مساعدت افراد دیگر بروند. آموزش و پرورش آن بخش مهمی از فرایند توانمندسازی انسان‌ها است که بسیار مورد توجه است. انسان‌های مطلع و باسواد، افق دید وسیع‌تر و بازتری دارند و این توانایی را دارند تا ترتیبات سیاسی و اجتماعی موجود را به چالش گرفته و راه‌حلهایی برای اصلاح آن‌ها پیشنهاد نمایند. چنین انسان‌هایی می‌توانند سازمان‌دهی و اقدام دسته‌جمعی را فراهم نمایند. فراهم آوردن فضای عمومی متساهل نسبت به آرا و عقاید مخالف نیز در رشد مباحثات مفید محلی^۱ و عمومی و تقویت گروه‌های محلی متکی به خود تأثیر دارد. آزادی مطبوعات آزادی جریان اطلاعات، آزادی تشکل و اجتماعات و آزادی وجدان در رشد فضای مزبور اهمیت حیاتی دارد (قاسمی، ۱۳۸۴). راهبردهای حمایت و توانمندسازی با یکدیگر منافاتی ندارند، و حتی می‌توانند در کنار هم موجب تقویت افراد شوند. آن دسته از افراد که مورد حمایت واقع می‌شوند، از گزینه‌های بیشتری برخوردار می‌شوند و افراد توانمند از مخاطرات و تهدیدات گریخته و می‌توانند صدا و خواسته‌های خود را به متولیان امور برسانند و یا با قدرت‌گیری و استفاده از امکانات بومی به حمایت متقابل از هم مبادرت کنند.

۸- بحث و نتیجه‌گیری

پدیده مانند هر پدیده‌ای دیگر در جهان هستی از یک علت تشکیل نشده است و دارای علل متفاوتی در شرایط و موقعیت‌های گوناگون است که در نتیجه شرایطی را همچنین، زمانی که فعالیتی تروریستی انجام می‌شود، بسیاری از حقوق اولیه فردی و عمومی انسانها نقض می‌شود و به فراموشی سپرده می‌شود؛ گویی که از ابتدا چنین حقوقی برای انسان‌ها وجود نداشته است. در تکمیل این ادعا می‌توان از اولین حقی که مورد تهدید جدی قرار می‌گیرد، به حق صلح و امنیت عمومی اشاره نمود. بنابراین، تمام تلاش‌های نهاد بین‌المللی در دو دسته پیشگیری و مبارزه با تروریسم ظاهر می‌شود. تغییرات زیادی که در سال‌های اخیر در محیط‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به وجود آمد است کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه‌یافته را با چالش‌های گسترده‌ای روبرو کرده است. تشدید رقابت جهانی و پیشرفت فناوری، این واقعیت را نشان داده است، که در تصمیماتی که دولتها اتخاذ می‌نمایند باید بتوانند عوامل داخلی و خارجی را هم‌زمان با یکدیگر مورد توجه قرار دهند. بنا بر بندهای این دستورالعمل، کشورها باید جرائمی مانند حملات تروریستی، تحرکات عمومی، و همچنین تهدید به انجام چنین جرائمی، و اقدامات مقدماتی، کمک و توانایی، تحریک یا تلاش برای انجام این کار را جرم و جنایت تلقی کنند. بر همین اساس از جمله اقداماتی که کشورها برای نبرد با تروریسم منعکس کردند، حمایت واقعی از منافع عمومی و جهانی و نقش حقوق بین‌الملل در سرکوب تروریسم و گسترش نظریه ضمانت‌های مشترک و امنیت جمعی است.

پس از آن‌که حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر، افرادی توسط دولت آمریکا به اتهام دست داشتن در این حمله تروریستی دستگیر شدند و پس از قوانین بشر دوستانه خارج شدند، با این ادعا که این افراد با

1. Local

اعضای گروهک القاعده و طالبان همکاری داشته‌اند. شورای امنیت در سال ۲۰۰۴، برای احیای عملکرد کمیته، قطعنامه ۱۵۳۵ شورای امنیت را به منظور اداره امور اجرایی کمیته ضدتروریسم تصویب کرد. هدف از تصویب این قطعنامه دادن مشاوره کارشناسی در تمامی حوزه‌هایی بود تا این کمیته بتواند پاسخگوی قطعنامه ۱۳۷۳ باشد. هدف تسهیل کمک‌های تکنیکی به کشورها و نیز ارتقاء سطح همکاری و هماهنگی نزدیکتر سازمان‌های داخلی سازمان ملل متحد بود.

مرکز مبارزه با تروریسم سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۱ در اداره مبارزه با تروریسم (بخش امور سیاسی) تشکیل شد. در این مرکز ظرفیت‌هایی فراهم شده است که کشورهای عضو سازمان ملل متحد بتوانند برای عملیاتی شدن راهبردهای مبارزه با تروریسم اقدامات لازم را به عمل آورند. همچنان که اگر دولتی در این کنوانسیون‌ها به عضویت درنیاید، بر انجام تعهدات این قطعنامه‌ها تأثیری نخواهد داشت، و به بیان دیگر این تعهدات از این جهت شکل گرفته است تا بتواند کمکی در تحقق حاکمیت قانون در جامعه بین‌الملل باشد. کمیته ضدتروریسم فقط برای تقویت بسترهای لازم و ضروری برای مبارزه با تروریسم فعالیت می‌کند و دخالتی در شناسایی و تحریم دولت‌های ضدتروریسم ندارد که این عوامل می‌تواند موجبات تضعیف این کمیته را فراهم سازد و در نهایت به آن سویی پیش برود که حمایت از حقوق بشر در زمانی که مسئله مبارزه با تروریسم مطرح شده است بسیار کند و آهسته پیش برود که تمام عواملی که برشمرده شد، به دلیل چالش‌هایی مانند کمبود منابع مالی، عدم همکاری و کمک از سوی سایر نهادها، تمرکز صرف کمیته بر گزارشات کتبی دولت‌ها است.

منابع

بهاری، بهنام و بخشی شیخ احمد، مهدی (۱۳۸۸). چیستی تروریسم و ویژگی‌های آن، دوفصلنامه پژوهش سیاست. ۱۱ (۲۷).

سلیمی، صادق (۱۳۸۲). جنایات سازمان یافته فراملی در کنوانسیون پالمو و آثار آن. مجله حقوقی، ش ۲۹.

موسوی فرد، سید محمد رضا (۱۴۰۰). حقوق قربانیان اقدامات تروریستی در رهیافت‌های سیاسی و قوانین بین‌المللی با تأکید بر جغرافیای سیاسی خاورمیانه. نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی. ۱۳ (۳)، ۹۶۸-۹۹۲.

Allen, R. J., Hoffmann, J. L., Livingston, D. A., Leipold, A. D., & Meares, T. L. (2020). *Comprehensive criminal procedure*. Aspen Publishers.

Cassese, Antonio (2001), "Terrorism Is also Disrupting Some Crucial Legal Categories of International Law", *European Journal of International Law*, Vol 12, No 5, 5 nov.

Costi, Alberto (2006), Review Essay: Human Rights in the 'War on Terror', 37(3) *Victoria University of Wellington Law Review*.

Di Filippo, M. (2020). The definition (s) of terrorism in international law. In *Research Handbook on International Law and Terrorism*. Edward Elgar Publishing.

Duffy, H. (2020). International human rights law and terrorism: an overview. In *Research Handbook on International Law and Terrorism*. Edward Elgar Publishing.

Kinnvall, C., & Mitzen, J. (2020). Anxiety, fear, and ontological security in world politics: thinking with and beyond Giddens. *International Theory*, 12(2), 240-256.

Khan, Ali (1987), "A legal Theory of International Terrorisme", *Connecticut Law Review*, Vol. 19.

Kofi Annan, Secretary General of the United Nations, 1 October 2001, New York, the General Assembly. <http://www.unric.org/de/pressemitteilungen/6172>.

Kovanic, M., & Coufalova, A. (2020). The legitimacy of intelligence surveillance: the fight against terrorism in the Czech Republic and Slovakia. *Intelligence and National Security*, 35(1), 115-130.

Āshūrī, D. (1994), *Encyclopedia of Politics*. Tehran, Murwārīd Publications.

Madanizādah, Dībā: Āhangarān. Muḥammad Rasūl (2020). The Jurisprudential Foundations of the Fight against Terrorism and Iran's Efforts in this Regard. *Journal of Contemporary Islamic Studies (JCIS)*. 3(2): 151-162.